

ناتوانی در یادگیری یا نارسایی در تدریس

دکتر غلامعلی افروز

هرگاه صحبت از ناتوانی کودکان در یادگیری می‌شود، همواره این سؤال مطرح می‌گردد که چرا بعضی از کودکان به رغم اینکه از بهره هوشی متوسط و یا بالاتر برخوردارند نمی‌توانند به گونه‌ای که انتظار می‌رود در بعضی از مواد درسی مثل خواندن، ریاضیات و یا دیکته، پیشرفت داشته باشند؟ علت یا علل ناتوانی برخی از دانش‌آموزان در یادگیری چیست؟ با این قبیل دانش‌آموزان چه باید کرد؟ در ارتباط با سبب‌شناسی اختلال در یادگیری علل متنوعی مورد توجه متخصصان و دست‌اندرکاران این رشته بوده است. پیچیدگی ماهیت ناتوانی یا اختلال در یادگیری از یک سو

و تنوع علل یا زمینه‌های مطرح شده از سوی دیگر به گونه‌ای است که اگر بخواهیم همه علل احتمالی ناتوانی در یادگیری را برشماریم، شاید ناگزیر شویم به تعداد کودکان و نوجوانان مبتلا به ناتوانی در یادگیری از علت‌های ممکن بحث نماییم. در هر حال در این مبحث برای آشنایی کلی اولیاء و مربیان و دانش‌جویان، مشکلات یادگیری کودکان را در سه محور یا زمینه اساسی به شرح زیر خلاصه می‌کنیم:

الف) عوامل درون فردی

ب) عوامل شخصی و شخصیتی

ج) عوامل برون فردی

الف) عوامل درون فردی:

در برخی از کودکانی که مبتلا به ناتوانی در یادگیری هستند، علائمی از نارسایی‌ها و اختلالات زیستی - عصبی نمایان است. در واقع این قبیل کودکان، مبتلایان واقعی به اختلالات خاص یادگیری هستند.

در این کودکان ناتوانی‌های یادگیری نتیجه‌ای است از اختلال در عملکرد یا نارسایی‌های عصبی. نارسایی‌های عصبی در این کودکان خود می‌تواند به دلایل زیر باشد:

۱) بی‌نظمی‌های بیوشیمیایی

۲) ضایعات جزئی مغزی زمان تولد

۳) مسمومیت و اختلالات سوخت و ساز

ناشی از بیماری‌های عفونی در دوران جنینی

۴) بیماری‌ها و جراحات‌های وارده به کودک

در دوران اولیه رشد، بخصوص در دوران نضج

و شکل‌گیری دستگاه مرکزی عصبی

۵) هرگونه تأخیر یا اختلال در فرایند رشد

به‌نجار کودک

۶) بعضی از نارسایی‌های مادرزادی



ب) عوامل شخصی و شخصیتی:

توجه به عوامل شخصی و شخصیتی در بررسی علل اختلالات یادگیری از این جهت مهم و قابل ملاحظه است که ویژگیها و خصیصه‌های شخصیتی و رفتاری بعضی از کودکان، نظیر نگرش منفی آنها نسبت به پدیده‌های مختلف و عدم برخورداری ایشان از انگیزه لازم برای تلاش، می‌تواند سهم مؤثری در ضعف یادگیری و افت پیشرفت تحصیلی ایشان داشته باشد. به دیگر سخن در موقعی می‌توان مشکلات یادگیری برخی کودکان و دانش‌آموزان را ناشی از بی‌توجهی، سهل‌انگاری و تنبلی و سستی آنها در دقت و یادگیری مطالب دانست. به عبارت دیگر نوآموزان و دانش‌آموزان می‌بایست براین باور باشند که در فرایند یادگیری و غلبه بر مشکلات ناشی از آن، خودشان نیز مسؤول هستند.

کودکی که از نظر ذهنی و شرایط زیستی و دستگاه عصبی کاملاً سالم است و در کلاس مناسب و مدرسه مطلوب مشغول تحصیل می‌باشد و از نعمت وجود معلمی توانا و متعهد برخوردار است، چنانچه در بعضی از دروس پیشرفت رضایتبخشی نداشته باشد، ممکن است به دلایلی از قبیل: نیازهای برآورده نشده نامشخص، علاقه‌مندی خاص نسبت به بعضی امور دیگر که از نظر اولیاء و مربیان مشخص نیست، نگرشهای منفی نسبت به کلاس و مدرسه و ضعف انگیزش در یادگیری باشد. بعضی از دانش‌آموزان دبستانی به رغم اینکه از بهره هوشی بالاتر از متوسط و ظرفیت یادگیری قابل توجهی برخوردارند و از برنامه‌های آموزشی مطلوب و روش تدریس موفق معلمان خود بهره‌مند هستند، صرفاً به‌خاطر عدم علاقه شخصی و بی‌توجهی به امر

عدم توفیق معلم در تغییر نگرش منفی برخی از شاگردان نسبت به درس و شخصیت الگوی بزرگسالی چون خودش، می‌تواند از عوامل بسیار جدی در بروز مشکلات یادگیری کودکان و دانش‌آموزان باشد.

بنابراین برخی از عوامل قابل توجه و مؤثر در اختلالات یادگیری کودکان را در کنار عوامل زیستی و عصبی و روانی و عاطفی، می‌بایست در عوامل محیطی و شرایط خاص آموزشی جست‌وجو کرد. از جمله این عوامل می‌توان به تنظیم غیر اصولی برنامه‌های درسی، متراکم کردن مواد آموزشی، تکیه بر محفوظات، عدم استفاده از مواد آموزشی مرتبط، بی‌توجهی نسبت به نیازها و ویژگیهای فردی دانش‌آموزان و ناتوانی در طراحی و اجرای برنامه آموزشی انفرادی اشاره کرد.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که اگرچه آن دسته از کودکانی که به دلایل عوامل نامساعد محیطی و نظام آموزشی، روش یا روشهای نادرست تدریس و رابطه نه چندان خوشایند معلم و بچه‌های کلاس موفق به پیشرفت مطلوب تحصیلی نمی‌شوند، نمی‌توانند از مصادیق درست و واقعی مبتلایان به "اختلالات یادگیری" باشند، اما همچنان در زمره کسانی خواهند بود که با مشکلات یادگیری مواجه هستند.

بنابر گزارشهای آماری در زمینه اختلالات یادگیری دانش‌آموزان، یک تا سی درصد از کودکان و نوجوانان سنین مدرسه به گونه‌ای با مشکلات یادگیری مواجه هستند. اما در این میان تنها عده کمی از این قبیل دانش‌آموزان به دلایل زیستی - عصبی دچار اختلال در یادگیری هستند و بقیه آنها به دلایل عاطفی و روانی و

آموزش و یادگیری، فقر انگیزشی و ضعف در تلاش، در بعضی از دروس نمرات پایین‌تر از متوسط نصیبشان می‌شود. در نزد این قبیل دانش‌آموزان همواره فاصله معنی‌داری بین توان بالقوه^۱ و توان بالفعل^۲ ایشان وجود دارد. هر قدر این فاصله بیشتر و بیشتر باشد نشانگر ناتوانی فرد در بهره‌گیری بایسته از ظرفیت یادگیری و استعداد نهفته‌اش خواهد بود. درحالی که بهترین عملکرد یا سطح پیشرفت دانش‌آموز زمانی است که نمرات او بیانگر کوتاهترین فاصله بین توان بالقوه و توان بالفعلش باشد. و این نمره زمانی حاصل می‌گردد که کودک از یک بازخورد و نگرش مثبت نسبت به محیط زندگی، مدرسه، درس و معلم برخوردار بوده، با انگیزه قوی بیشترین تلاش را از خود نشان دهد.

ج) عوامل برون فردی :

منظور از عوامل برون فردی در بررسی اختلالات یادگیری، آن دسته از عواملی هستند که خارج از قدرت اراده و کنترل کودک بوده، احياناً منشاء اصلی مشکلات کودک در فراگیری مطلوب برنامه‌های درسی می‌باشند.

بعضی از کارشناسان و متخصصان آموزش و پرورش استثنایی از جمله عوامل برونی مؤثر در مشکلات یادگیری کودک را "ناتوانی‌های آموزشی"^۳ و "ناتوانی‌های تدریس"^۴ می‌دانند، چراکه بعضاً شرایط آموزشی نامطلوب، روش یا روشهای تدریس نادرست، بی‌نظمی فکری معلم، کم‌حوصلگی، بی‌رغبتی یا عجله معلم در تفهیم مفاهیم و انتقال پیامهای اصلی یک درس و یا ناتوانی معلم در ایجاد انگیزه لازم در دانش‌آموزان برای جلب توجه ایشان، همچنین

آموزشی " و مواد مناسب کمک آموزشی هستند.

۴- دانش آموزانی که با اختلالات خاص یادگیری مواجهند، در جریان یادگیری علاوه بر کنش‌های ذهنی نیازمند فعالیت‌های حرکتی نیز می‌باشند. لذا می‌توان بعضی از مفاهیم و مواد آموزشی را همراه با بازی، حرکت و تحرک به ایشان انتقال داد.

۵- کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری در فعالیت‌های آموزشی خود نیازمند برنامه‌های مشخص و کاملاً روشن، گویا و به دور از ابهام و محرکات زاید محیطی هستند و نیاز به محیطی آرام و بی‌دغدغه دارند.

۶- بچه‌های مبتلا به اختلالات یادگیری بیش از همسالان خود نیازمند انگیزه تلاش هستند. ایجاد نگرش مثبت و انگیزه قوی در ایشان از مهمترین وظایف و مسؤلیتهای اولیاء و مربیان است.

۷- یادگیری صحیح مفاهیم، مستلزم صرف زمان کافی است. مربیان و معلمان باید صبورانه با این گونه دانش آموزان برخورد کنند و از هرگونه عجله و شتاب و انتظارات ذهنی زودرس اجتناب داشته باشند. بخصوص اینکه بچه‌های مبتلا به اختلالات یادگیری نیازمند بیش یادگیری یا یادگیری فوق‌العاده، ممارست و مهارت در درس موردنظر هستند.

۸- دانش آموزان مبتلا به مشکلات یادگیری بیش از دیگران نیازمند فعالیت‌های موزون حرکتی و هماهنگی‌های چشم و دست هستند. بنابراین تمرینات منظم حرکات ظریف و هماهنگی‌های چشم و انگشتان، از جمله برنامه‌های مؤثر در توانبخشی این قبیل کودکان به شمار می‌آید.

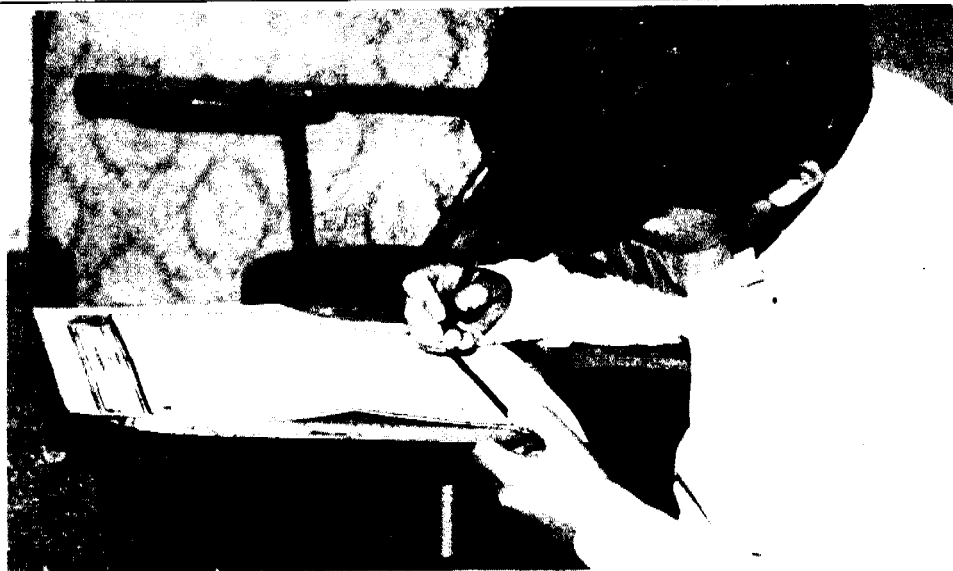
عوامل برون فردی همچون شرایط محیطی و آموزشی با مشکلات یادگیری مواجه می‌باشند. با توجه به آنچه گذشت همواره می‌بایست در تشخیص اختلالات خاص یادگیری دقت بیشتری مبذول گردد. در واقع همان‌گونه که پیشتر اشاره شد کودکان مبتلا به اختلالات خاص یادگیری آنانی هستند که عمدتاً از بهره هوشی متوسط و یا بالاتر برخوردارند، اما در یادگیری یک یا چند ماده درسی با مشکلات جدی مواجه هستند. بنا براین آن دسته از کودکانی که از نظر هوشی بطور معنی داری پایین‌تر از متوسط بوده، به خاطر عقب ماندگی ذهنی تأخیر قابل توجهی در کنش‌های ذهنی و مهارت‌های حرکتی دارند و به همین لحاظ قادر به یادگیری مطالب درسی در حدسن تقویمی خود نیستند، به عنوان مبتلایان به اختلالات خاص یادگیری قلمداد نمی‌گردند. لذا شایسته است در طبقه بندیها و برچسب زدن‌ها دقت بیشتری داشته باشیم.

چند توصیه در مورد شیوه کارکردن با دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری:

۱- دانش آموزان ناتوان در یادگیری بیشتر از دیگران نیازمند فرصتهای موفقیت آمیز هستند. آنها نمی‌بایست در فرایند آموزشی احساساتی از ناکامی و ناتوانی داشته باشند.

۲- دانش آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری نیازمند تشویق و ترغیب و تقویت هستند. کمترین موفقیت ایشان در یادگیری ماده درسی خاصی که در آن مشکل دارند می‌بایست با تشویق جدی همراه باشد.

۳- بچه‌هایی که با اختلالات یادگیری مواجه هستند بیشتر از دیگران نیازمند "زمن‌سان



در "خواندن" فوق‌العاده ضعیف هستند و در سطح پایین‌تر از انتظار عمل می‌کنند، شایسته است معلمان، مریبان تربیتی و اولیای این دانش‌آموزان در ارزیابی نقاط مثبت و ضعف ایشان در برنامه‌های مختلف درسی جدیت داشته باشند و همواره سعی کنند از نقاط مثبت آنها برای تقویت نقاط ضعف ایشان بهره بگیرند.

۱۲ - و سرانجام دانش‌آموزان مبتلا به اختلالات خاص یادگیری برای پیشرفت خود نیازمند معلمان صبور و توانا، دلسوز و دانا هستند که با ایجاد نگرش مثبت و انگیزه قوی در ایشان، زمینه تلاش موفقیت‌آمیز را با تشویق و ترغیب، در آنها به وجود آورند.

پاورقیها:

- 1 - POTENTIAL
- 2 - PERFORMANCE
- 3 - INSTRUCTIONAL DISABILITIES
- 4 - TEACHING DISABILITIES

۹ - باید توجه داشت که دانش‌آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری هرکدام از ویژگیهای فردی قابل توجه برخوردارند و لذا همیشه نمی‌توان روش خاصی را که در ارتباط با یک دانش‌آموز مؤثر بوده است، لزوماً برای دانش‌آموز دیگری که مبتلا به اختلالات خاص یادگیری است مورد استفاده قرار داد.

۱۰ - باید در نظر داشت که دانش‌آموزان مبتلا به اختلالات خاص یادگیری بعضاً هر کدام روش و سلیقه خاصی را در یادگیری مطالب تمرین کرده‌اند. بنابراین توجه به ویژگیها و رغبت‌های خاص ایشان در یادگیری و نحوه استفاده از حواس مختلف بسیار مهم و ضروری است.

۱۱ - با توجه به اینکه اصولاً بچه‌های مبتلا به اختلالات خاص در یادگیری توانمندیها و پیشرفت متفاوتی در یادگیری مواد مختلف درسی از خود نشان می‌دهند، فی‌المثل در ریاضیات و دیگته در سطح قابل قبولی از جهت سن تقویمی و تحصیل خود پیشرفت دارند، اما